

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سیاسی

سید سعید زاهد زاهدانی^۱

چکیده

به دنبال ورود ایالات متحده آمریکا به جرگه جهان خواران نظام سرمایه داری جهانی و عهده دار شدن رهبری آن‌ها بعد از جنگ جهانی دوم، واژه توسعه بر سر زبان‌ها افتاد. تا زمان جنگ دوم جهانی حرکت‌های استعماری و استثماری توسط کشورهای اروپائی اعمال می‌شد. در دست گرفتن سکان اداره نظام جهان سرمایه داری توسط آمریکا موجب نوآوری و نظریه پردازی تازه‌ای در ادامه اعمال این سلطه شد. آن‌ها با تمسک به مفهوم توسعه شیوه نوی ابداع نمودند. کشورهای جهان سوم احساس نیاز نسبت به رشد و پیشرفت داشتند و آن‌ها در قالب برنامه‌ها و الگوهای توسعه این نیاز را در راستای وابستگی به خودشان مورد سوء استفاده قرار دادند. در کشور عزیز ما در مقابل حرکت استعمار، نهضت تنباکو و در مقابل استعمار و سیاست‌های توسعه سرمایه داری، انقلاب اسلامی برپا شد و الگویی برای پیشرفت همه جانبه در رهائی از بند سلطه گشت. بر همین اساس نظریه پردازی پیرامون این حرکت و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطالبه رهبری انقلاب شد. در ابتدای پیروزی انقلاب در بخش الگوی پیشرفت سیاسی این امر در قانون اساسی جمهوری اسلامی در سطح کلان برنامه ریزی شد. مطالبه رهبری در جهت تعمیم آن به سطوح خردتر و اجرائی می‌باشد. در این مقاله با مروری بر زمینه نهاد سیاست در ایران و برنامه‌های توسعه در دوران پهلوی، به چگونگی اعمال الگوی پیشرفت سیاسی بعد از انقلاب در قالب مردم سالاری دینی پرداخته ایم. آنچه در سطح خرد و اجرا ملاحظه می‌شود توافق اندیشمندان اسلامی این نظام به اصولی است که شاکله اصلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سیاسی را نشان می‌دهد. این اصول را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: الف) حفظ انگیزه الهی مردم برای حضور در صحنه‌های سیاسی، ب) حفظ وحدت همه نیروها حول محور ولایت فقیه، ج) حفظ استقلال سیاسی و گسترش آن به فرهنگ و اقتصاد، د) ایجاد تشکل‌های حزبی با توجه به اصول فوق برای تربیت نیروی انسانی سیاسی برای اداره نظام اسلامی، ه) توجه عمیق و گسترده به افکار عمومی ریشه‌های اصلی جامعه، یعنی جامعه متدین و معتقد به انقلاب اسلامی.

^۱ دانشیار جامعه‌شناسی و برنامه ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، مردم سالاری دینی، سلطه، توسعه، سرمایه داری، پیشرفت سیاسی

مقدمه

توسعه^۲ واژه ایست که عمدتاً در نیمه دوم قرن بیستم در ادامه سیاست های استعماری و استثماری غرب وضع شد و به جای همان کلمات به کار گرفته شد. گردانندگان کشور های به اصطلاح پیشرفته با استفاده از یافته های علوم اجتماعی با شعار توسعه و رشد، در کشور های آسیائی و آفریقائی حضور یافتند و همان سیاست های استعماری گذشته را به شکل دیگری دنبال نمودند.

در قرن نوزدهم کشور های اروپائی با استعانت از قدرت سازمان دهی و فن آوری جدید صنعتی خود با حضور نظامی مستقیم در کشور های آسیائی و آفریقائی تحت عنوان "استعمار" و زیر نقاب آباد کردن کشورها، در جهت غارت منابع آنان اقدام کردند. به خصوص غارت مواد خام از این کشور ها موجب رونق بیش از پیش کارخانجات اروپا گردید. در این کار، کشور های اروپائی در گام اول با اعمال سلطه سیاسی و نظامی، رهبران و مدیران کشور های تحت سلطه را از میان برمی داشتند و سپس با سرکوب مردم به غارت منابع آنان می پرداختند. این حرکت در نوع نسبتاً مسالمت آمیز خود با تأسیس شرکت های تجاری انجام می شد و به تدریج در راستای رفع موانع چپاول گری با حضور نظامی رنگ خشونت به خود می گرفت. آنان در مقابل هر نوع مقاومتی با مشت آهنین بر خورد می کردند.

ایران در بین کشور های موسوم به جهان سوم تنها کشوری است که این مرحله را از سر با درایت امانت خود، باز کرد. عقد قرارداد انحصار خرید و فروش تنباکو توسط شرکت تالبوت شورش و جنبشی را در ایران موجب شد که اجازه نداد انگلستان کشور ما را زیر سلطه استعماری خود ببرد. علاوه بر آن این حرکت موجب شد دیگران هم در مقابل استعمارگران به مقاومت بپردازند و اروپائیان را به فکر تغییر سیاست خود بیندازد.

² development

آنان در اوایل قرن بیستم با نفوذ در سیاست مداران سست عنصر محلی و با گماشتن مدیران فرمان بر، از حضور نظامی خود کاستند و از طریق نوکران فرمان بردار به تخلیه مواد خام از کشور های آسیائی و آفریقائی پرداختند. این راهبرد به استعمار شهرت یافت. در همین زمان بود که با طرح گفتمان تقابل سنت مدرنیته مردم کشور های آسیائی و آفریقائی را مرعوب تمدن خود کرده به کرنش در مقابل خود در آوردند. ایران عزیز هم در این دام افتاد و غارت گران با سوار شدن بر موج انقلاب مشروطه، سلسله پهلوی را بر این سرزمین مسلط کردند و تحت شعار ساختن ایران نوین نوعی شبه مدرنیزم را در این کشور حاکم کردند.

بعد از جنگ دوم جهانی آمریکا سلطه خود را به جای کشور های اروپائی در جهان تحکیم کرد. سیاست مداران این کشور به کمک اندیشمندان دانشگاهی، در ادامه سیاست های استعماری، نظریه های توسعه را پرداختند. آنان تحت لوای مدرن کردن کشور های عقب افتاده برای استفاده از نیروی کار ارزان و دسترسی بهتر به منابع، به سرمایه گذاری در این کشور ها پرداختند و از این طریق به غارت انواع منابع منجمله منابع انسانی آن ها پرداختند.

باز هم ایرانیان غیرت مند بودند که پیشتاز شدند و با شوریدن بر شاه فاسد وابسته ریشه وابستگی را مورد حمله قرار دادند و با سردادن شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، نظامی نو ساختند. در این نظام نوپا برای رسیدن به ترقی و پیشرفت، فریب ابدۀ تمدن بزرگ شاه که منحل شدن در تمدن مدرن را از موضع نوکری پذیرفته بود، مبدل به تلاش برای تأسیس تمدن نوین اسلامی گردید. ایرانیان با نفی وابستگی در راستای رسیدن به استقلال مبتنی بر فرهنگ بومی خود حرکتی را آغاز کردند که بعد از حدود سی سال سرمشق ملت های مسلمان گردید و بیداری اسلامی را برای جهان به ارمغان آورد. حرکتی که در اوایل قرن بیست و یکم آغاز شده و چشم امید به پیشرفت های ایران برای الگو برداری دارد.

در ایران واژه توسعه که یادآور روند منتهی به وابستگی گذشته است با درایت رهبری انقلاب به پیشرفت تغییر یافته و الگوی توسعه تنظیم شده در بستر علوم اجتماعی غرب که برای وابستگی به نظام استکبار در دانشگاه های مغرب زمین تدوین گردیده است، مبدل به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مبتنی بر نوآوری اندیشمندان اسلامی و ایرانی گردید.

در این مقاله ضمن ارائه تعریف و توضیح تاریخچه توسعه از دیدگاه علوم اجتماعی غرب به بررسی اقدامات صورت گرفته در ایران قبل از انقلاب در زمینه توسعه سیاسی می پردازیم. سپس به جریان انقلاب اسلامی و تلاش های بعد از انقلاب برای رسیدن به پیشرفت و استقلال سیاسی و تأسیس مردم سالاری دینی مبتنی بر ارزش ها و اعتقادات و به طور کلی ساختار فرهنگ بومی و اسلامی مبادرت می ورزیم. در همین روند به ترفند های جهانی برای منحرف کردن این حرکت در ایران، و سیاست های اتخاذ گردیده برای شکست دشمن و پیشرفت به سمت تمدن اسلامی را پی می گیریم.

توسعه

بعد از جنگ جهانی دوم آمریکا برنده نهائی این جنگ شد و کشور های اروپائی را به زیر نفوذ خود برد. طرح مارشال باز سازی اروپا با سرمایه آمریکائی و نیروی انسانی اروپا را سامان داد. این طرح بازسازی صنایع و اقتصاد این کشور ها را عملیاتی کرد. اجرای طرح موفق مارشال مقدمه ای برای اعمال همین برنامه البته با ملاحظاتی، در کشور های به اصطلاح جهان سوم شد. بعد از جنگ جهانی دوم کشور های اروپائی دیگر قادر به اداره مستعمرات خود نبودند و این فرصت برای ایالات متحده آمریکا فراهم شد تا بر آن ها مسلط شود. ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا طرحی به کنگره داد که بر اساس آن همان برنامه ای که در کشور های اروپائی اجرا شد را در مستعمرات به اجرا گذارد. سیاست آنان بر این بود که با مدیریت مدیران وابسته، سرمایه آمریکائی و نیروی انسانی واردائی و بعضاً تربیت شده محلی، این کشور ها به اصطلاح توسعه یابند. در واقع هدف انحلال این کشور ها در نظام سرمایه داری جهانی و گسترش نظام سرمایه داری به کل کشور های جهان بود.

"برای این کار متفکرین اجتماعی طرح های خود را ارائه نمودند و رشته ای تحت عنوان جامعه شناسی توسعه و نیز اقتصاد توسعه تأسیس شد. پس از چندی دامنه رشته توسعه به دیگر رشته های علوم اجتماعی نیز گسترش یافت. یکی از برنامه های جامع تدوین شده در مباحث جامعه شناسی توسعه، برنامه مدرنیزاسیون یا نوسازی بود که سه جریان توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی و توسعه سیاسی را از یکدیگر تفکیک می کرد" (زاهد، ۱۳۹۰: ۲۶).

ایزنشتاد^۳ نوسازی را فرایند تغییر به سوی نظام های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می داند که در اروپای غربی و آمریکای شمالی از قرن ۱۷ تا قرن ۱۹ شکل گرفت و سپس به دیگر کشور های اروپائی قرن ۱۹ و سایر کشور های آمریکای جنوبی، آسیائی و آفریقائی در قرن بیستم گسترش یافت (افروغ، ۱۳۶۹: ۸). ام. فرانسیس آبراهام^۴ نوسازی را به نوسازی اقتصادی و نوسازی اجتماعی تقسیم می کند. او زمینه های اجتماعی نوسازی را صنعتی شدن، شهری شدن و دنیاگرایی می داند. در تفصیل بیشتر معتقد است که نوسازی اجتماعی همراه است با صنعتی شدن، شهری شدن، دنیاگرایی، افزایش شدید انتظارات، گسترش وسائل ارتباط جمعی، ثبات نسبی جمعیت شناختی، ظهور یک طبقه متوسط و یک انقلاب فرهنگی. از نظر او شاخص های نوسازی اقتصادی عبارت اند از تولید ناخالص ملی (G.N.P.) و سهم بخش های اقتصادی در تولید ناخالص ملی، سطح مصرف یا استاندارد زندگی، بهره وری نیروی کار، درجه شهر نشینی، نسبت سرمایه به کار، سهم جمعیت شاغل در فعالیت های غیر کشاورزی و نسبت مصرف منابع انرژی غیر حیوانی به منابع انرژی حیوانی. او شاخص های نوسازی اجتماعی را تغییرات اجتماعی با برنامه، دنیاگرایی، تغییرات در نگرش و رفتار، هزینه های عمومی سنگین در آموزش و پرورش، انقلاب علمی از طریق گسترش ابزار ارتباطات، تمایز ساختی و تخصصی شدن کارکردی می داند (همان).

متفکرین رشته توسعه معتقداند که در کشور های جهان سوم می باید ابتدا جریان توسعه اقتصادی با سرمایه گذاری در صنایع آغاز شود و بعد از استقرار صنعت و تغییر نظام تولید سنتی، به توسعه فرهنگی مبادرت گردد. در انتهای این خط لازم است توسعه سیاسی صورت گیرد و نظام دموکراتیک برای اداره ساختار های جدید مستقر شده در این کشور ها توسط مردم این سرزمین ها، راه اندازی شود. از نظر آنان وقتی ساختار های اقتصادی و اجتماعی با سرمایه خارجی، و وابسته به نظام جهانی سرمایه داری تنظیم شده باشد، اداره امور به دست هر کس که باشد، منافع آن به جهان سرمایه داری سرازیر خواهد شد (زاهد، ۱۳۹۰: ۲۶)

³ Eisenstadt

⁴ Abraham

سومین کنفرانس آکادمی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

ایران از جمله کشور هائی بود که از حدود سال ۱۳۲۵ تحت برنامه های توسعه زیر نظر مستشاران آمریکائی قرار گرفت. در این کشور برنامه پیشنهادی ترومن از بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تحت عنوان اصل چهار رسماً وارد عملیات شد. سیل سرمایه آمریکائی در دهه ۳۰ موجب تورم شد و در اواخر این دهه سیاست های انقباضی به کار گرفته شد. در ابتدای دهه ۴۰ تغییرات ساختاری در برنامه قرار گرفت و دامنه توسعه اقتصادی سیطره خود را به روستاها که محل اصلی تولیدات ملی ما بود کشاند. در همین زمان بود که حضرت امام (ره) با نصیحت به شاه که نوکر بیگانگان نباشد و کشور را به آنان نفروشد به مخالفت با این برنامه پرداختند. این مخالفت به قیام ۱۵ خرداد منجر شد و حضرت امام (ره) و رهبران مذهبی طرفدار ایشان در اقصا نقاط ایران دستگیر و نهایتاً حضرتش به ترکیه و سپس به عراق تبعید شدند.

در دهه ۴۰ ضمن ادامه برنامه های توسعه اقتصادی تلاش در راستای اشاعه فرهنگ لیبرال دموکراسی نیز در کشور ادامه یافت. این برنامه که با اعطاء حق رأی به زنان در سال ۴۱ آغاز شد در سطح خانواده با لایحه تنظیم خانواده پیگیری شد. در اوایل دهه ۵۰ زمینه برای اجرای برنامه توسعه سیاسی آماده شده بود. اقتصاد شهری و روستائی به زائده ای بر اقتصاد سرمایه داری جهانی تبدیل شده بود. نیروهای محلی متخصص در دانشگاه های وابسته به اندازه ای که بتوانند ساختار های اقتصادی سرمایه داری موجود را زیر نظر مستشاران خارجی بگردانند تربیت شده بود. حال لازم بود تا فضای باز سیاسی ایجاد شود و کشور به دست تکنوکرات های لیبرال با مدیریت و برنامه ریزی آمریکا و دیگر اقمارش اداره شود. به عبارت دیگر لازم بود امور از دست دیکتاتوری که ساختار ها و فرهنگ را تغییر داده بود به دست مردم و روشنفکران تعلیم یافته با نظام فکری مدرن سپرده شود. از این رو بحث توسعه سیاسی در دستور کار قرار گرفت (زاهد، ۱۳۹۰: ۲۶). این فضای باز سیاسی منجر به انقلاب اسلامی شد و بر اساس این انقلاب حاکمیت سلسله پهلوی به پایان رسید و نظام سیاسی جدیدی تحت عنوان جمهوری اسلامی شکل گرفت.

نهاد سیاست در ایران در دوره پهلوی

نوگرایی در ایران در جهت یک نظام دنیاگرا (سکولار) عمدتاً از زمان روی کار آمدن رضاشاه آغاز می گردد. سلسله پهلوی بعد از تاج گذاری رضاشاه در اردیبهشت ماه سال

سومین کنفرانس آکادمی اسلامی ایرانی: مشرف

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی: مشرف

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

۱۳۰۴ ش. آغاز شد (زاهد، ۱۳۸۹: ۲۷۲). رضاشاه در سال ۱۲۹۹، زمانی که وزیر جنگ بود، طی کودتائی قدرت را در دست گرفت (کاتوزیان، ۱۹۸۱: ۹۲-۸۹). قصد او ساختن یک دولت ملی متمرکز جدید تحت عنوان ایران نوین بود. او با دیکتاتوری، غرب گرائی در ایران را اعمال نمود و تلاش کرد تا همه اقتدارهای سنتی را سرکوب کرده یک حکومت مقتدر به رهبری خودش ایجاد کند. او همه قدرت های محلی نظیر زمین داران و خان ها را سرکوب کرد و رهبران مذهبی را با محدود کردن وظائف مدیریتی شان نسبت به مردم، از طریق تاسیس نظام های جدید قضائی و آموزشی از صحنه کنار زد (زاهد، ۱۳۸۹: ۲۷۲).

آلگار برنامه های نوگرائی رضاشاه را از دیدگاه مردم مذهبی چنین بیان می کند: "شانزده سال سلطنت پهلوی اول انصافا می تواند به یک دوره دشمنی سنگین نسبت به نهادهای فرهنگ اسلامی توصیف شود؛ آنچه از نظر نویسندگان غربی با تاکید "اصلاحات" و "نوسازی" خوانده می شود از طرف بسیاری، اگر نگوئیم اغلب ایرانیان، اهانتی سخت به فرهنگ، سنت ها و هویتشان تلقی می شد" (آلگار، ۱۹۹۱: ۷۳۹). اصلاحات رضاشاه مبتنی بر وابستگی کشور به جهان سرمایه داری و در رأس آن انگلستان بود. تأسیس کارخانجات، گسترش فعالیت های بانکی و دیگر فعالیت های اقتصادی صورت گرفته از جانب او در راستای تبدیل ایران به زائده ای بر اقتصاد سرمایه داری جهانی به حساب می آمد. برای کسانی که به عدم وابستگی و استقلال کشور فکر می کردند این اصلاحات عین فساد به شمار می آمد. او در دوران خود به علت حاکم کردن جو شدیدی از اختناق به کسی اجازه مخالفت با سیاست های خود نداد.

در سال ۱۳۲۰ متفقین جنگ جهانی دوم به بهانه پشتیبانی از جبهه جنگ روسیه علیه آلمان ایران را اشغال کردند. آن ها ۱۷ روز پس از اشغال ایران رضاشاه را مجبور به استعفا کردند و پسر او محمدرضا به پادشاهی ایران منصوب شد. با توجه به این که با انجام اصلاحات ساختاری به عمل آمده در دوره رضاشاه منبع درآمد دولت از محل فروش نفت تأمین می شد. نفت عمده ترین منبع اقتصاد ایران در اداره دستگاه سیاسی و اداری بود (زاهد، ۱۳۸۹: ۲۷۵). در دوره قاجار اقتصاد ملی ما بر کشاورزی و دامداری استوار بود و در زمینه تأمین نیازمندی های اولیه خودکفا به حساب می آمد. با از کار بر کنار شدن او و روی کار آمدن محمدرضا شاه جو اختناق و سرکوب شکسته شد و دوره ای از آزادی آغاز گشت. نیروهای انگلیسی که در کشور حضور داشتند و از تسلط خود بر اوضاع مطمئن

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

بودند تلاش نمودند تا نوعی لیبرال دموکراسی و یا آزادی مبتنی بر اعتقادات سکولاریستی را در کشور حاکم کنند به طوری که در جشن کتاب سوزانی که کسروی به راه می انداخت سوزاندن کتاب هائی نظیر مفاتیح الجنان و آثار سعدی به چشم می خورد. در این میان شاه جوان هم همراه آنان بود.

قبل از روی کار آمدن سلسله پهلوی نهاد سیاست در ایران تحت نفوذ دو قدرت دولت و روحانیت قرار داشت. دولت امور نظامی و کلان کشور را به دست داشت و روحانیت رهبران اجتماعات مردم بودند. امور اجتماعی، اقتصادی، قضائی و فرهنگی جامعه در دست روحانیت بود. با روی کار آمدن رضاشاه اقتدار روحانیت تحدید شد و حذف آنان از صحنه سیاسی کشور در دستور کار قرار گرفت. از طرف دیگر رهبران مذهبی کوشش نمودند تا نظام آموزشی خویش را تقویت کنند و از دخالت در امور سیاسی برای کاهش در برخورد با دولت اجتناب نمودند. عدم مداخله در سیاست موجب شد تا محمدرضاشاه که از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش در ایران حکومت کرد نسبت به پدرش رفتاری ملایم تر ولی نه لزوماً حمایتگر نسبت به نهاد مذهبی داشته باشد. برای مثال در آغاز سلطنت خویش بنا به درخواست علما ممنوعیت عزاداری در ماه محرم و ممنوعیت حجاب را که رضاشاه وضع کرده بود ملغا نمود (آلگار، ۱۹۹۱: ۷۴۵ به نقل از زاهد، ۱۳۸۹: ۲۷۲). در این دوران آیت الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، و آیت الله بروجردی با عدم مداخله در امور سیاسی به عنوان مرجع اکثریت قریب به اتفاق شیعیان زمان خود نفوذ خویش را به عنوان رهبران مذهبی از طریق نهاد آموزشی حفظ نمودند.

از بین رفتن استبداد رضاشاه یک دوره کوتاه از آزادی را برای کشور به ارمغان آورد. چهره های فعال سیاسی کشور منجمله جنبش ملی شدن صنعت نفت که عمده ترین جنبش سیاسی دهه ۲۰ به حساب می آید در چنین فضائی ظهور نمودند (آلگار، ۱۹۹۱: ۷۴۵ - ۷۴۴) (مدنی، ۱۳۶۱ جلد اول: ۱۸۸ - ۱۳۶). جنبش نفت از سال ۱۳۲۲ از درون مجلس شورای ملی به رهبری دکتر محمد مصدق و آیت الله کاشانی آغاز گشت اما با توجه به مخالفت های دستگاه حاکمه و حامیانش تا سال ۱۳۳۰ به هیچ نتیجه ای نرسید. در سال ۱۳۳۰ پس از ترور رزم آرا و انتشار نامه تحدید آمیز فدائیان اسلام خطاب به نمایندگان مجلس شورا و سنا لایحه ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلسین رسید و نفت ملی شد. مصدق نخست وزیر شد و نفت ایران توسط شرکت های بین المللی تحریم

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

گردید. دولت مصدق که کاملاً وابسته به نفت بود سقوط کرد و شاه قوام را به نخست وزیری منصوب کرد. دولت قوام فقط چهار روز روی کار بود. آیت‌ا... کاشانی جنبشی مردمی را بر علیه او رهبری نمود. این جنبش موجب شورش و خونریزی شد و منجر به عزل سریع قوام گردید. مصدق برای دومین مرتبه در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ به نخست وزیری منصوب گردید. اما به علت اختلاف او با آیت الله کاشانی که رئیس مجلس بود نهایتاً در روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۱ توسط یک کودتای طراحی شده توسط سازمان سیا و سرویس اطلاعاتی انگلستان به وسیله زاهدی، ساقط شد (زاهد، ۱۳۸۹: ۲۸۱-۲۸۰).

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شاه با کمک پلیس مخفی خود (ساواک) اختناق شدیدی را در کشور حاکم کرد. بدین وسیله او به هیچ کس اجازه هیچ نوع فعالیت سیاسی نمی داد. اما علی رغم تلاش های شاهان سلسله پهلوی برای ضعیف نمودن ساخت مذهب که نقش درجه یک در فعالیت های اجتماعی و سیاسی قبل از آنان داشت، در دهه ۴۰ شاهد رجعت رهبران مذهبی به عرصه سیاست هستیم. همان طور که قبلاً به اجمال اشاره شد "در نظام سیاسی ایران دو اقتدار مهم رقیب وجود داشتند: اقتدار شاه که ریشه در سنت های تاریخی داشت و اقتدار علما که در زمان سلسله صفویه به عنوان نواب امام غایب شیعیان از نظر اجتماعی تثبیت گردید. پشتیبان اقتدار اول برگزیدگان قدرتمند یا طبقه کوچک بالا بود و دومی توسط عموم مردم یا طبقه پائین جامعه ایرانی حمایت می گشت" (زاهد، ۱۳۸۹: ۲۹۳-۲۹۲).

در دهه ۴۰ گرچه در اثر برنامه های نوگرایی و نوسازی رضاشاه و محمدرضاشاه با هدایت مستشاران غربی یک طبقه متوسط جدید در حال بروز بود اما نظام قشربندی اجتماعی دو قطبی قبلی هنوز غلبه داشت. "مشروعیت اجتماعی دولت [پهلوی]، مانند دوره قاجاریه، از قدرت جبریش تامین می شد. اما در مقایسه با سلسله قبلی قدرت نفوذ آن به علت سرکوب دیگر اقتدارهای متعلق به علما، زمین داران، و رهبران ایل ها به مراتب وسیع تر بود. گرچه نظام قانون گذاری توسط مجلس تبلیغ می شد اما همه چیز از راس هرم قدرت اعمال می گشت و مردم از دستورات تبعیت می کردند. تنها یک دوره کوتاه آزادی در زمان جنگ دوم جهانی به وجود آمد که موجب ظهور گروه ها و احزاب جدید اسلامی و دنیاگرا گردید. اما همه این گروه ها پس از کودتای ۱۳۳۲ سرکوب گردیدند" (زاهد، ۱۳۸۹: ۲۹۳).

سومین کنفرانس آکادمی اسلامی ایرانی: مشرف

واکاوی معاصریم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی مشرف

ارده‌بشت و خرداد ۱۳۹۳

در ابتدای دهه ۴۰ ما شاهد جنبشی بر علیه "تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی" در حکومت علم هستیم. در این جنبش همه مجتهدینی که بعد از آیت الله بروجردی به عنوان مرجع تقلید توسط مردم پذیرفته شده بودند شرکت داشتند. این مجتهدین عبادت بودند از آیت ا... خمینی، آیت ا... شریعتمداری، آیت ا... گلپایگانی، و آیت ا... مرعشی نجفی در قم، آیت ا... بهبهانی و آیت ا... خوانساری در تهران، آیت ا... محلاتی در شیراز، آیت ا... قمی و آیت ا... میلانی در مشهد، و آیت ا... حکیم و آیت ا... خوئی در نجف (مدنی، ۱۳۶۱، جلد اول: ۳۸۵، ۳۶۲) (آلگار ۱۹۹۱، ۷۵۱). دولت در مقابل اعتراض این علما و پیروانشان عقب نشینی کرد و لایحه را از مجلس پس گرفت.

در سال ۴۲ جنبش ۱۵ خرداد به عنوان نقطه عطفی در فعالیت های نهاد سیاست در ایران بر علیه برنامه اصلاحی شاه که قصد کشاندن برنامه نوسازی به روستاها را داشت و با نام انقلاب سفید شاه و ملت خوانده می شد روی داد. این جنبش به رهبری حضرت امام خمینی (ره) صورت گرفت. در این نهضت تقابل دولت و ملت به رهبری شاه و مرجع تقلید که قبل از روی کار آمدن سلسله پهلوی شکاف اصلی جامعه ما بود احیاء شد. اما یکپارچگی ملت در این تقابل را شاهد نیستیم.

آیت الله خمینی (ره) علی رغم جو غالب در آن زمان، مداخله در امور سیاسی را وظیفه خود و پیروان خود می دانستند. از این رو در سال ۱۳۴۱ از تجمیع چند هیئت مذهبی سازمانی را تحت عنوان هیئت های مؤتلفه اسلامی شکل دادند. جنبش ۱۵ خرداد به سازماندهی این هیئت و با کمک مجتهدین پیرو حضرت امام در اقصا نقاط کشور صورت گرفت. اما هر چه جنبش پیشتر می رفت آیت ا... خمینی از همراهی کمتری برخوردار می شدند، زیرا مخالفت سیاسی در آن زمان خسارات و خطراتی به همراه داشت. بنابراین قسمت کوچکی از ساخت مذهبی که تحت نفوذ مراجع معدودی بود در این جنبش شرکت فعال نمود. گله آیت ا... خمینی از سکوت حوزه های قم و نجف در یکی از سخنرانی هایشان این وضعیت را نشان می دهد (سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۹۹۱: ۹۰ - ۸۸).

فعالان سیاسی غیر مذهبی کشور نیز در این جنبش مخالفت خود را با برنامه شاه نشان دادند. ولی شعار آنان بر علیه استبداد بود نه بر علیه خود اصلاحات. اعتراض رهبران مذهبی این بود که برنامه پیشنهادی شاه ضد اسلامی است (آبراهامیان، ۱۹۸۲: ۴۶۱) (آلگار، ۱۹۹۱: ۷۵۳). در ابتدا شاه مخالفت علما را جدی تلقی نمی کرد (فردوست، ۱۳۶۹:

۵۱۰). براساس اعلامیه های آیت ... خمینی طبیعت غیر اسلامی برنامه و قابلیت آن در افزایش وابستگی کشور به بیگانگان دلیل به پا خواستن گروهی از علما بر علیه رژیم شاه اعلام می شد. اولین هدف ایشان مخالفت با همه پرسی اعلام شده از طرف شاه به عنوان یک عمل غیر قانونی بود، اما این هدف به تدریج مبدل به مخالفت با انقلاب سفید و حکومت شاه به طور کلی گردید (زاهد، ۱۳۸۹: ۲۹۴). مقاصد اسلامی، ضد وابستگی، و ضد استبدادی مخالفین توسط حکومت، مخالفت یک مشت "مرتجعین سیاه" تفسیر و تبلیغ می شد (زاهد، ۱۳۸۹: ۲۹۵). به نظر آبراهامیان اقشار مختلفی در این جنبش شرکت داشتند. مخالفین روز ۱۵ خرداد شامل "هزاران مغازه دار، روحانی، کارمندان، معلمان، دانشجویان، مزدبگیران، و کارگران بیکار بودند که به خیابان ها ریختند تا با شاه مخالفت کنند. فراخوانی مخالفت از جانب روسای صنوف، تجار بازار، جبهه ملی، و از همه مهمتر چهره جدیدی در میان مخالفین یعنی آیت ... خمینی بود" (آبراهامیان، ۱۹۸۲: ۴۲۴).

در واقع همان طور که گفته شد در این نهضت رهبری سیاسی روحانیت احیاء شد و مخالفت سیاسی رهبران اقشار سکولار مانند جبهه ملی در حاشیه قرار گرفت؛ شعار آنان اصلاحات آری استبداد نه بود (آبراهامیان، ۱۹۸۲: ۴۶۱). در این جنبش مخالفین در مقابل حکومت شاه قرار داشتند که توسط امپریالیسم (استثمارگران) حمایت می شد. "سازمان مذهبی بدنه اصلی جنبش را تشکیل می داد. این سازمان بسیار کوچکتر از آن چیزی بود که در اوایل قرن بیستم وجود داشت. به خاطر اعمال برنامه های نوسازی بعد از انقلاب مشروطه سازمان مذهبی بسیاری از عملکردهای خود را از دست داده بود. با نوسازی نظام آموزشی کشور فقط آموزش های مذهبی در مسئولیت روحانیون باقی مانده بود. بقیه نظام توسط دولت به نحو دنیاگرا اداره می شد. دادگاه های شرع و عرف تبدیل به دادگاه های دولتی شده بودند که زیر نظر وزارت دادگستری اداره می شد. قوانین و مقررات وضع شده توسط مجلس و دیگر سازمان های قانون گذاری دولتی تقریباً همه امور جمعیت ایران را بدون نیاز به رجوع به روحانیت اداره می کرد. تنها در شهرهای کوچک و یا روستاهائی که خارج از دسترس نفوذ سازمان های حکومتی بودند ممکن بود به آنها مراجعه شود. پیروی از مجتهدین فقط محدود بود به اعمال شخصی نظیر نحوه نماز خواندن، روزه گرفتن، و پرداختن خمس و زکات، آنها برای مردم مذهبی. برخی موقوفات نیز هنوز در اختیار علما بود. تنها نهادهائی که تحت کنترل علما باقی مانده بود عبارت بودند از مساجد، بقاع

سومین کنفرانس آکادمی اسلامی ایرانی: مشرف

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی: مشرف

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

متبرکه، مراسم ازدواج، و برخی از دیگر مراسم ها مانند عزاداری برای امام حسین (ع). مراسم عزاداری ... در حسینیه ها، مساجد، بقاع متبرکه، منازل، و خیابان ها به اجرا در می آمد. گر چه تعداد گروه های عزادار در شهر ها عموماً تقلیل یافته بود" (زاهد، ۱۳۸۹: ۲۹۶).

از افشار مهم شرکت کننده در این نهضت بازاریان و اصناف بودند. تنها گروه شرکت کننده با مشخصات مدرن گروه نهضت آزادی ایران بود که عمدتاً تحت رهبری آیت ا... طالقانی، بازرگان، و دکتر سحابی قرار داشت. آبراهامیان می گوید این گروه متشکل بود از "تعدادی از متخصصین جوان و تکنوکرات های رادیکال که تحصیلات جدید داشتند و به دنبال ترکیبی از اسلام و علوم جدید بودند" (آبراهامیان، ۱۹۸۲: ۴۶۲). آیت ا... طالقانی مؤسس جنبش مقاومت ملی (آلگار، ۱۹۹۱: ۷۵۰) و مسئول مسجد هدایت و بازرگان مؤسس انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران بود و در دانشگاه تهران تدریس می نمود. این دو نهضت آزادی را با همراهی دکتر بیدا... سحابی که استاد زمین شناسی دانشگاه تهران بود ایجاد نمودند (آبراهامیان، ۱۹۸۲: ۴۶۲). آنها دانشجویان و تحصیل کردگان جدید را برای حمایت از اهداف جنبش از طریق مسجد هدایت و دانشگاه تهران بسیج می نمودند. سازمان آنها بعد از سرکوب جنبش، غیر قانونی اعلام شد (زاهد، ۱۳۸۹: ۲۹۷).

هر چند جنبش ۱۵ خرداد سرکوب شد اما راه مبارزه بر علیه رژیم شاه شناخته شد و نیرو های مذهبی در رأس مبارزه با نظام شاهنشاهی وابسته به غرب قرار گرفت. راه نجات کشور وحدت همه نیرو ها و تمسک به ایدئولوژی اسلامی تشخیص داده شد. از آن پس این دو هدف توسط مبارزین سر لوحه کار قرار داشت. از این رو در جریان انقلاب اسلامی نظام شاهنشاهی در مقابل ایده تاسیس حکومت اسلامی قرار گرفت. در آغاز دوره فضای باز سیاسی که برای تکمیل برنامه نوسازی توسط آمریکا به شاه تحمیل شد (رهنما، ۱۹۹۰: ۸) این دو نیروی صف آرائی شده در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و با یکدیگر برخورد کردند. ظهور انقلاب اسلامی از این زمان آغاز شد.

آلگار مرگ مشکوک حاج سید مصطفی خمینی پسر بزرگ حضرت امام و به دنبال آن اهانت به ایشان در روزنامه اطلاعات را سرآغاز انقلاب اسلامی می داند (آلگار، ۱۹۹۱: ۷۶۰-۷۵۹). جامعه مذهبی قم طی تظاهراتی در روزهای ۱۸ و ۱۹ دیماه ۱۳۵۶ نسبت به مقاله اهانت آمیز بر علیه آیت ا... خمینی از خود عکس العمل نشان داد و توسط نیرو های نظامی

سومین کنفرانس آکادمی اسلامی ایرانی - شیرفت

واکاوی مضامین و نظریه‌های رایج توسعه و تجارت ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی - شیرفت

اربدیشت و خرداد ۱۳۹۳

۸۰ تا ۹۰ نفر کشته شده و عده بسیار بیشتری دستگیر شدند (مدنی، ۱۳۶۱، جلد دوم: ۲۴۷ - ۲۴۵). مراسم عزاداری چهلمین روز کشته شدگان قم در تبریز برگزار گردید و در نتیجه تعداد بیشتری تظاهر کننده به وسیله نیروهای نظامی به قتل رسیدند. ماجرای برگزاری مجالس چله در یزد و سپس در دیگر شهرهای کشور همراه با اعلامیه های آیت ا... خمینی بر علیه شاه که توسط نیروهای توزیع کننده پخش می شد ادامه یافت. تظاهرات در دیگر موقعیت های اسلامی بخصوص در ماه های رمضان و محرم و بالاخص در روزهای تاسوعا و عاشورا جریان یافت. برخی عوامل مداخله کننده دیگر نظیر آتش سوزی در سینما رکس آبادان در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ برای تحریک مردم نیز به کار گرفته شد (مدنی، ۱۳۶۱، جلد دوم: ۲۵۶ و ۲۴۹ - ۲۴۷). قطعنامه های بزرگترین راه پیمائی تاریخ ایران در روز عید فطر و بعد از آن در راه پیمائی های باز هم بزرگتری که در روزهای تاسوعا و عاشورا انجام گرفت به روشنی به رهبری آیت ا... خمینی به عنوان یک مرجع تاکید می کرد و درخواست برقراری حکومت اسلامی و بر چیده شدن نظام سلطنتی را داشت (راهنما ۱۹۹۰، ۲۴-۲۵). در روز ۲۲ بهمن رژیم شاه بعد از دو روز درگیری بین انقلابیون و گروهی از نیروهای نظامی که به شاه وفادار مانده بودند به طور کلی ساقط شد، و جمهوری اسلامی در روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ با انجام یک همه پرسی استقرار یافت (مدنی، ۱۳۶۱، جلد دوم: ۳۵۳-۳۵۰) (زاهد، ۱۳۸۹: ۳۵۸-۳۵۵).

در انقلاب اسلامی آیت ا... خمینی به عنوان رهبر و پیروان نزدیکش از میان روحانیت و بازار که در سازمان های جدیدی شکل یافته بودند، با استفاده از بقایای سازمان سنتی مذهبی، و تامین مالی از طرف بازار، انقلاب را به وجود آوردند. آنها از اختلاف میان اقتدار دولت و علما استفاده نموده عوام و طبقه متوسط مدرن و سنتی شیعه را با استفاده از فهم جدیدی از حکومت اسلامی و نفی نظام شاهنشاهی سازمان دارند. مردم که از دولت بیگانه شده بودند از آن ها پیروی کرده و سلسله پهلوی را سرنگون کردند.

در جریان انقلاب علی رغم برنامه توسعه سیاسی ذیل برنامه نوسازی که توسط مستشاران آمریکائی اعمال می شد، ایدئولوژی سیاسی دیگری جای ایدئولوژی لیبرالیسم را گرفت؛ دموکراسی لیبرال مبدل به مردم سالاری دینی شد. این پدیده برای برنامه ریزان غرب ناهنجار بود و برای کنترل آن به شیوه های مختلف از جمله تحمیل جنگی هشت ساله، ترور های بی امان، تحریم های گسترده و دیگر اقدامات دست یازیدند. علی رغم همه

فشارها این نظام نو پا بر مبانی خود استوارتر و رشد یافته تر شد. اما غربی‌ها همواره به تلاش برای ایجاد انحراف در این حرکت نو و بازگرداندن آن به همان جریان جهانی مورد تأیید خود ادامه داده و می‌دهند.

مرور تحولات سیاسی در دوران پهلوی نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی دو قدرت در مقابل یکدیگر در گذشته ایران را به یک قدرت تقلیل داده است. شاه وابسته به نظام مسلط سرمایه داری جهانی را ساقط کرده و رهبری جامعه را به دست ولی فقیه داده است تا جامعه را با الگوهای اسلامی به سمت ایده آل اسلامی هدایت کند. ایده آل اسلامی برای شیعیان رسیدن به حاکمیت امام معصوم است. امامی که غایب است و حاکمیت حقیقی در دست اوست. در زمان غیبتش می‌باید نایب بر حق او که فقیه اعلم مدبر و مدیر است جامعه را اداره کند. او می‌باید با الگوی پیشرفت اسلامی جامعه را به سمت عدل منتظر هدایت کند. بر این اساس دیری نگذشت که ساختار سیاسی کلان جامعه در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمد. این قانون به تصویب نمایندگان مردم و خود آنان رسید. امروز ارکان اصلی نظام سیاسی بر اساس آن تشکیل شده و عمل می‌کند. برای طراحی الگوی پیشرفت هم رهبری از متخصصین جامعه اعم از حوزوی و دانشگاهی استمداد طلبیده و از آنان خواسته اند الگویی غیر از الگوهای وابسته، مبتنی بر شرایط بومی کشور و موازین و ارزش‌های اسلامی طراحی کنند. در ادامه به آنچه تا کنون در عمل در راستای تنظیم این الگو انجام شده و آن چه در نظام سیاسی بر اساس موازین ملی و اسلامی می‌باید صورت پذیرد اشاره می‌شود.

پیشرفت سیاسی در جمهوری اسلامی

طبق قانون اساسی چارچوب مدیریت کلان جامعه تحت عنوان جمهوری اسلامی تنظیم شده است. به عبارت دیگر ترکیبی از جمهوریت و اسلامیت ساختار کلان نظام سیاسی را تشکیل می‌دهد. طبق این قانون در جمهوری اسلامی رهبری جامعه به دست ولی فقیه مدبر شجاع سپرده شده است. طبق نظام‌های جمهوری مرسوم در جهان، تفکیک قوا بین قوه مجریه، مقننه و قضائیه در نظر گرفته شده است و وظایف هر یک از قوا بر اساس موازین مردم‌سالاری و با رعایت اصول اسلامی در قانون اساسی آمده است. اگر شاکله ستاد نظام سیاسی را ترکیبی از سه لایه مدیریت یا رهبری، ساختار، و اجرا بدانیم

رهبری جامعه به دست ولی فقیه سپرده شده، ساختار نظام را قوانینی تعیین می کند که توسط قوه مقننه تنظیم و تصویب می شود و اجرا به قوه مجریه محول گشته که با نظارت قوه قضائیه نظم و دقت در اجرای قوانین در جامعه تضمین می شود.

از نظر رعایت موازین جمهوریت یا مردم سالاری، رهبر جامعه طی یک انتخاب دو مرحله ای توسط مردم برگزیده می شود. مردم نخبگانی را انتخاب می کنند (نمایندگان مجلس خبرگان) و آن ها رهبر را انتخاب می نمایند و بر عمل کرد او نظارت می کنند. اعضاء قوه مقننه با انتخاب مستقیم مردم تعیین می شوند و در رأس قوه مجریه رئیس جمهور قرار دارد که او هم با رأی مستقیم مردم انتخاب می گردد. وزرا از جانب رئیس جمهور به مجلس شورای اسلامی معرفی می شوند و توسط نمایندگان مردم در مجلس رأی اعتماد دریافت می دارند. عملکرد قوه مجریه تحت نظارت نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی قرار دارد. قوانین به تصویب رسیده به قوه مجریه و سازمان ها و نهاد های مردمی ابلاغ می شود و قوه قضائیه ناظر حسن اجرای این قوانین در جامعه است.

از نظر تضمین/سلامیت، بینیم رهبر اسلامی چگونه انتخاب می شود. هر مسلمان شیعه به سن بلوغ که می رسد موظف است از بین مجتهدین هر کس را که خود با وجدان آزاد و از سر اختیار کامل اعلم و اعدل تشخیص می دهد انتخاب کند و در مسائل شرعی از او پیروی نماید. این امر برای همه شیعیانی که قدرت استنباط احکام فقهی را ندارند واجب است. هر کس که خود قدرت استنباط را با تحصیل دانش فقه به دست آورده و مجتهد شده است تقلید برایش حرام می شود و باید از استنباطات فقهی خود پیروی کند (امام خمینی بی تا: ۱). از بین مجتهدین اگر کسی ادعا کند که می تواند امت اسلامی را اداره کند و این ادعا به تأیید اکثریت قریب به اتفاق دیگر مجتهدین برسد و همگی او را بهترین و بالاترین مجتهد قادر به اداره امور امت تشخیص دهند او منصب ولایت فقیه را می یابد و مدیر جامعه می شود. در این حال بر همه مجتهدین واجب می شود تا از او در امور اجتماعی پیروی نمایند. او هم موظف است در چارچوب قوانین اسلام و مصالح مسلمین به اداره کشور بپردازد و از خود رأیی و اعمال سلیقه شخصی منافی با چارچوب تعیین شده در موازین اسلامی بپرهیزد. اگر از او خطائی سر بزند به مجرد خطا از منصب خویش معزول است و می باید دیگری که واجد شرایط است جای او را بگیرد (زاهد، ۱۳۷۰: ۸۷).

با سازوکار مردم سالارانه ای که رهبری جمهوری اسلامی طبق آن انتخاب می شود موازین اسلامی فوق رعایت می گردد. خبرگان منتخب مردم با توجه به تخصص و تقوای خویش کسی را به عنوان ولی فقیه انتخاب می کنند که واجد شرایط علمی، تقوایی و مدیریتی باشد. با توجه به آن چه تاکنون عمل شده است انتخاب آنان به گونه ای است که مورد پذیرش همه مراجع تقلید قرار گرفته و آنان خود را موظف به تبعیت از شخص منتخب آنان می دانند. با تقلید و پیروی مراجع تقلید از ولی فقیه در امور اجتماعی، بر پیروان آنان نیز شرعاً واجب می شود تا از دستورات ولی فقیه پیروی کنند. به این ترتیب اسلامیت در تعیین رهبری در نظام جمهوری اسلامی تضمین می گردد. با توجه به این که در کشور ایران بیش از ۹۰ درصد از مردم شیعه اثنی عشری می باشند و گفته شد که طبق موازین شرع هر کس به سن بلوغ می رسد مجتهدی را در کمال آزادی و با یقین کامل بر اعلمیت و عدلیت او برای پرسیدن و اجرای موازین اسلامی در رفتارهای خود انتخاب می کند. گفتیم بر کلیه مراجع تقلید واجب است تا در امور اجتماعی از ولی فقیه پیروی نمایند. به این ترتیب ولی فقیه در یک جریان انتخاب دو مرحله ای شرعی نیز توسط اکثریت قریب به اتفاق مردم مسلمان به رهبری انتخاب می شود و این انتخاب از روی شناخت کامل تک تک افراد و اعتماد کامل به دانش تخصصی و عدالت رفتاری و حسن اخلاقی هر یک از مراجع صورت می گیرد. از این جهت می توان گفت انتخاب رهبر با اطمینان و توجه اکثریت قریب به اتفاق جامعه صورت می پذیرد. چنین اکثریتی در هیچ یک از نظام های آزاد سیاسی لیبرال یا سوسیال دموکرات مقدور نمی باشد. علاوه بر انتخاب، نظارت بر عمل کرد ولی فقیه نیز در یک چنین ساختار جامع و مطمئنی انجام می شود. علاوه بر اعضاء مجلس خبرگان مراجع تقلید هم به حکم شرعی ناظر بر رفتارهای ولی فقیه می باشند.

در لایه دوم برای رعایت اسلامیت قوانین مصوب مجلس، شورای نگهبان در نظر گرفته شده است که کلیه قوانین را مورد بررسی قرار می دهد و در صورت مغایر بودن با اصول اسلامی و یا قانون اساسی به مجلس برای اصلاح بر می گرداند. در موارد اختلاف هم که می باید رهبری با توجه به مصالح جامعه حکم باشد، طبق دستور او مجمع تشخیص مصلحت تشکیل شده است که این وظیفه را به نیابت از رهبر انجام می دهد.

در لایه سوم، یعنی اسلامیت اجرا، هنوز ابهاماتی وجود دارد. قوانین ورودی به این سطح با سازوکاری که در تنظیم قوانین در مجلس شورای اسلامی گفته شد عدم مغایرت آن با موازین اسلامی کنترل می‌شود. در عملکرد هم، زیر نظر قوه قضائیه که تحت مدیریت یک مجتهد جامع الشرایط به انتخاب رهبر و یک شورای عالی قضائی متشکل از ۵ مجتهد عادل اداره می‌شود، با توجه به موازین اسلامی صورت می‌پذیرد. اما در تهیه برنامه های دولت برای اداره امور مختلف اجتماعی خلاء وجود دارد. دولت لامحاله می‌باید در قالب الگویی برای پیشرفت همه امور نظام اسلامی را برنامه ریزی کند و جامعه را به سمت ایده آل عدل منتظر پیش ببرد. در این جا نیاز به الگوی برنامه ریزی برای پیشرفت است که طبق شعار های مردم در انقلاب اسلامی نه شرقی باشد و نه غربی بلکه مبتنی بر منویات مردم سالاری دینی باشد. همین مطالبه رهبری است. دولت اسلامی نیاز به الگوی اسلامی برای برنامه ریزی و تنظیم امور دارد. این مسئله از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی در ایران مورد توجه بوده و در عمل سیری را سپری کرده است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

الگوی برنامه ریزی برای پیشرفت سیاسی

همان طور که گفته شد الگوی برنامه ریزی در دولت اسلامی می‌باید اسلامی باشد. اگر جامعه را متشکل از سه نظام سیاست، فرهنگ و اقتصاد بدانیم جمهوری اسلامی نیاز به الگوی سیاسی اسلامی، الگوی فرهنگی اسلامی و الگوی اقتصادی اسلامی برای پیشرفت دارد. در این مقاله هدف ما تشریح الگوی سیاسی اسلامی می‌باشد. همان طور که در سطح کلان گفته شد هدف تحقق حکومت امام معصوم (ع) است. در زمان غیبت با تمسک به فقیه مدبر مدبر اعلم اعدل می‌باید راه را برای ظهور آن امام همام هموار نمود. پشتیبان این نظام چه در زمان غیبت و چه در زمان ظهور مردم متدین و معتقد می‌باشند. از این جهت قالب حرکت مردم سالاری دینی است. رهبری این مردم سالاری توسط ستادی که در قانون اساسی آمده و تشریح شد صورت می‌گیرد. حال باید دید صف چگونه مدیریت شود، سازمان یابد، و عمل کند.

از روز های اولیه پس از انقلاب مخالفین جهانی به دسیسه چینی برای شکست آن پرداختند. اولین حرکت آن ها ایجاد اغتشاش داخلی و پس از ناامید شدن از تفرقه درونی، نه چندان بعد از آن، تحمیل جنگ هشت ساله بود. در این جنگ با رهبری ولی فقیه مردم

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

با انگیزه الهی و با از جان گذشتگی وارد شدند و حماسه آفریدند. این آفرینش حماسه نه تنها در حفظ مرزها و کیان نظام اسلامی بود بلکه سازماندهی داوطلبانه بسیج در نوک پیکان به کارگیری شدت بر علیه دشمن خارجی نیز بود. در کنار بسیج برای سازندگی خرابی‌های رژیم گذشته در روستاها سازمان جهاد سازندگی تشکیل شد. این سازمان در پشتیبانی از جبهه‌های جنگ نیز خدمت نمود. هر دو این ساختارها که بر اساس خدمت با انگیزه الهی و داوطلبانه بود در هر دو بخش موفق عمل کرد: هم در دفع دشمن و هم در سازندگی. از این جهت خود می‌توانست و می‌تواند تجربه خوبی برای ترسیم الگوی مناسب برای سازمان دهی مشارکت مردم در امور سیاسی باشد. اما در عمل صددرصد چنین نشد.

اولین دولت بعد از جنگ دولت سازندگی لقب گرفت و هدف خود را ترمیم و سازندگی خرابی‌های جنگ قرار داد. این سازندگی می‌توانست با الگوی جهاد سازندگی عمل کند اما به دلیل نظریه پردازی نشدن آن در قالب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آسان‌ترین الگویی که برای این سازندگی در نظر گرفته شد الگوی استقرار یافته قبل از انقلاب بود. این الگو انتخاب شد و به اجرا درآمد. نتیجه آن شد که پس از هشت سال کشور ما به همان مرحله‌ای از توسعه اقتصادی و فرهنگی رسید که قبل از انقلاب با سطح بسیار محدودتری به آن رسیده بود؛ یعنی نظام اقتصادی لیبرال سرمایه داری متمرکز وابسته استقرار یافت و حال طبق الگوی اصلی، احساس نیاز به اجرای برنامه توسعه سیاسی در قالب مکتب‌نوسازی می‌شد. صف آرائی دولت-ملت مجدداً عقد پوسیده خود را نشان داد. از این رو دولت بعدی با شعار توسعه سیاسی روی کار آمد.

باید گفت که در کنار این حرکت رسمی، سازمان بسیج و جهاد سازندگی هم در چارچوب رسمی و هم غیر رسمی خود با انگیزه مخلصانه کسانی که حامی جمهوری اسلامی به معنای واقعی آن هستند ادامه یافت. تجربیات محرومیت‌های دوران جنگ تحملی به سازندگی‌های علمی و فنی شگفت‌آوری انجامید و در بقیه امور هم حرکت‌های داوطلبانه و خودجوش، حرکت انقلاب اسلامی را تداوم بخشید.

در دولت توسعه سیاسی کارشناسان آشنا به نظام سازی‌های سیاسی در غرب وارد عمل شدند و آن چه در اروپا اتفاق افتاده بود را برای توسعه کشور مناسب دیدند و به الگو برداری پرداختند. در آن جا پس از جنگ جهانی دوم برای پیش‌گیری از نفوذ کمونیسم

وظیفه دولت را ایجاد حداکثر رفاه برای مردم قرار دادند. از ترس مقتدر شدن دولت و فساد آن در حد و مانند حکومت رایش سوم در آلمان یا موسولینی در ایتالیا، ساختاری برای کنترل دولت قرار دادند. از دهه ۶۰ به بعد برای اعمال کنترل اجتماعی بر دولت‌های اروپای غربی، تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد و تشویق جنبش‌های نوین را در برنامه خود پیش‌بینی نمودند. هر مسئله‌ای که در جامعه به وجود می‌آید گرد آن جنبشی شکل می‌گیرد و مطالبات مردمی را به گوش دولت می‌رساند. دولت هم خود را موظف می‌داند تا به این مطالبات توجه کرده مسئله را حل کند. این سازمان‌دهی در اروپا در لایه سوم هرم قدرت سیاسی انجام شده و برای لایه اول (صاحبان سرمایه) و لایه دوم (مجالس قانون‌گذاری)، مصون از اعتراض مستقیم مردمی، فرصت تجدید نظر در برنامه‌ها برای حفظ منفعت لایه اول، که امناء مردم به حساب می‌آیند را ایجاد کرده است.^۵

در ایران در دولت توسعه سیاسی، چون خود دولت تشکیل‌دهنده سازمان‌های مردم‌نهاد و مشوق جنبش‌ها بود و خود نیز با آن‌ها همراه می‌شد و در اعتراض‌ها خود را شریک می‌دانست، اعتراض‌ها به سطوح بالاتر انتقال یافت. در مجلس ششم هم با پیوستن بخش عمده نمایندگان به معترضین، مطالبات و اعتراض‌ها به سمت لایه اول، یعنی رهبری جامعه سوق داده شد. به این ترتیب توسعه سیاسی به ابزاری برای براندازی نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد. زیرا محوریت جمهوریت و اسلامیت نظام همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد در منصب ولایت فقیه متبلور می‌باشد. انتقال گله‌مندی‌های مردم از سوء مدیریت‌ها و کمبودهای اجرائی به سطح لایه اول قدرت نظام، هدف اصلی برنامه ریزان و تدوین‌کنندگان این الگوی توسعه سیاسی در اروپا را مخدوش کرد. آنان این سازوکار را برای اصلاح کم‌کاری‌های دولت و تأمین فرصت برای برنامه ریزان اصلی جامعه برای اصلاح امور بر مبنای حفظ سرمایه و قدرت سرمایه‌داران به کار می‌برند. در نظام اسلامی حمایت و حفاظت از رأس قدرت برای حفظ اسلامیت و تضمین مردمی بودن امور است. بنابراین در این جا نیاز به تنظیم سازوکار دیگری حس می‌شود. سازمان‌های مردم‌نهادی که در دل و با حمایت دولت به وجود می‌آیند نمی‌توانند منتقد خود دولت باشند.

^۵ برای تفصیل بیشتر به مقاله زیر مراجعه فرمائید:

سید سعید زاهد (۱۳۹۲) "حکومت و جامعه در ایران معاصر"، ارائه شده در گرد هم آئی انجمن جامعه‌شناسی ایران، اردیبهشت ۱۳۹۲.

شکست برنامه‌های دولت توسعه سیاسی در پذیرش شعارهای دولت بعدی و روی کار آمدن آن مشاهده شد؛ دولتی که شعار عدالت و حفظ هویت دینی نظام را می‌داد. اما آن دولت هم به علت در اختیار نداشتن الگوی مناسبی برای رشد و صیانت از نظام جمهوری اسلامی چندان موفق نبود. در سال‌های آخر هم سرگردانی در اداره امور در آن دولت به خوبی قابل مشاهده است.

اما همان‌طور که گفته شد، در لایه پنهان نظام جمهوری اسلامی حرکت رشد و پیشرفت با تلاش نیروهای مخلص و رهبری رهبر فرزانه ادامه یافت. رهبری با توجه به نیاز اصلی جامعه به داشتن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برنامه‌هایی را اعلام نمودند. چون زیر بنای تدوین الگو، پرداختن به علوم انسانی بومی و اسلامی است از اولین رهنمودها و مطالبات ایشان ایجاد جنبش نرم‌افزاری، نوآوری علمی، تولید علوم انسانی اسلامی و در نهایت تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد. بسیجیان واقعی با الهام از نماد بسیج که همواره آن را بر دوش رهبر خویش می‌بینند به این مطالبات پاسخ مثبت داده و هم‌خویش را برای شکستن مرزهای علم، تولید علوم انسانی اسلامی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به کار برده‌اند. پیشرفت‌ها و ارتقاء مرتبه علمی کشور نتیجه این تلاش‌ها را به خوبی نشان می‌دهد. نشست‌های شش‌درجه یک جهان در یک طرف میز مذاکره و نمایندگان ایران اسلامی در طرف دیگر برای چانه‌زدن بر سر محدود کردن یکی از شاخه‌های حساس پیشرفت علمی ایران بسیار گویای مطلب است.

در همین راستا در زمینه علوم انسانی اسلامی سه مکتب عمده فکری در کشور ایجاد شده است که به صورت نظام‌مند و سازمان‌یافته کار می‌کنند: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، فرهنگستان علوم اسلامی و پژوهشکده باقر العلوم و موسسه اسراء. هر چند نیروهای منفردی هم در راستای این منویات به تلاش خود ادامه می‌دهند. آن‌چه از محصول مشترک این مطالعات در تدوین الگوی اسلامی ایران پیشرفت سیاسی می‌توان استنباط کرد موارد زیر می‌باشد. این اصول در واقع چارچوب اصلی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت سیاسی در جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند.

الف) حفظ انگیزه الهی مردم برای حضور در صحنه‌های سیاسی. این کار با تشویق همه گروه‌ها به شرکت مردم در مراسم‌های نظیر راه‌پیمایی ۲۲ بهمن تجلی می‌یابد. با توجه به زیربنای مستحکم فرهنگی نظام اسلامی همه متخصصین دین، به خصوص مراجع

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

عظام، تلاش خود را در راستای حفظ انگیزه های الهی مردم صرف می کنند و فعالیت های فرهنگی در این جهت از جمله تلاش های مستمری است که از سوی آنان در جریان می باشد.

ب) حفظ وحدت همه نیروها حول محور ولایت فقیه. یکی از رموز پیروزی و پیشرفت سی و پنج ساله نظام جمهوری اسلامی وحدت و یک پارچگی ملت بوده است. این نیاز با تجمع همه نیروها حول یک محور تجلی می یابد. همه تشکل های سیاسی دارای مرام و یا ایدئولوژی هستند. نقطه مشترک همه ایدئولوژی های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی بر گرفتن مرام خود از مکتب منور اسلام است. در همه این مرام ها توجه به وحدت فرماندهی در فقیه اعلم عادل مدیر مدبر و شجاع، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم آمده است قابل مشاهده می باشد.

ج) حفظ استقلال سیاسی و گسترش آن به فرهنگ و اقتصاد. این امر نیز در همه گروه های طرفدار انقلاب اسلامی امری پذیرفته شده است. آنان هر برنامه ای را که بوی وابستگی از آن به مشام برسد طرد می کنند. در این میان اکثریت جامعه فعال سیاسی معتقد به انقلاب اسلامی، به بلوغ طرد رفتار های حزبی تقلید شده از احزاب جوامع لیبرال و یا سوسیال دموکرات رسیده اند. تجربه دوران توسعه سیاسی و چالش های عمده به وجود آمده بعد از آن این بصیرت را برای مردم ایران به ارمغان آورده است.

د) ایجاد تشکل های حزبی با توجه به اصول فوق برای تربیت نیروی انسانی سیاسی برای اداره نظام اسلامی. همه تشکل های حزبی و شبه حزبی ایجاد شده در نظام جمهوری اسلامی برای حفظ انگیزه الهی، وحدت و استقلال کشور تلاش می کنند و نیروهای خود را در این راستا تحریض می نمایند. میزان طرفداران این گروه ها نیز در حدی است که پایبندی خود را به اصول کلی نظام نشان داده اند.

ه) توجه عمیق و گسترده به افکار عمومی ریشه های اصلی جامعه، یعنی جامعه متدین و معتقد به انقلاب اسلامی. همه دست اندرکاران سیاسی کشور به تجربه دریافته اند که نیروی اصلی سیاسی در کشور مردم می باشند. از این رو همه در راستای منویات مردمی حرکت می کنند. نیروهای سیاسی کشور علاوه بر بهره برداری از این نیروی عظیم در راستای افزایش بصیرت عمومی هم از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند. این امر به خصوص

توسط رهبری جامعه مدام در حال اجراست. شرکت گسترده و بی نظیر مردم در همه فراخوان های نظام به ویژه انتخابات متعدد، در نتیجه همین توجه می باشد.

نتیجه گیری

آنچه در پنج بند آمده در فوق ارائه شد راهبرد های اصلی الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی مورد توافق همه دست اندرکاران سیاسی طرفدار انقلاب اسلامی است. ورود به اندیشه های هر یک از مکتب های فکری پیرامون تدوین علوم انسانی اسلامی آمده در متن تحقیق می تواند ما را به برنامه های دقیق تری از این گروه های فکر راهبر شود. اما آن چه باید در نظر داشت این است که الگوی پیشرفت سیاسی در جمهوری اسلامی الگوئی در حال تکامل است. کلیات آمده در فوق در مسیر زمان شاخه خواهد زد و بر حسب ضرورت های زمان از خود راه حل بروز خواهد داد. راه حل های ارائه شده خود محملی برای به وحدت رسیدن اندیشمندان مکاتب فوق خواهد بود.

حسن این الگو وجود اندیشمند اعلم اعدل مدیر مدبر شجاع در رأس آن می باشد. همه افکار و اندیشه های تخصصی پیرامون اداره سیاسی جامعه از طرق گوناگون و بر حسب وظیفه همه اندیشمندان اسلامی می باید به آن رأس برسد. بر همه واجب است تا اگر نکته ای برای مدیریت جامعه در می یابند و یا اشکالی می بینند به ولی فقیه برسانند. بر خود ولی فقیه هم واجب است تا اگر در جائی مطلب تازه ای سراغ می کند دریابد. این وظیفه الهی ولی فقیه و اندیشمندان جامعه اسلامی موجب می شود تا در نهاد رهبری، مدیریت این افکار صورت پذیرد و زیر نظر او تبدیل به گزاره های عملی متناسب با زمان شود. اجرای این منویات نتیجه گیری شده، خود مبدل به پاره ای از الگوی پیشرفت سیاسی جمهوری اسلامی می گردد. علاوه بر آن اعتماد و اطمینان دینی مردم به این سازوکار، موجب می شود با جان رهنمود های اعلام شده از جانب ولی فقیه را دریابند و بپذیرند. این امر موجب افزایش بصیرت مردم و ارتقاء سطح عملکرد نظام سیاسی مردم سالاری دینی می گردد. به همین ترتیب در گذر زمان ما شاهد رشد نظام مبارک جمهوری اسلامی بوده و انشاءالله خواهیم بود.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

منابع:

- افروع، عماد (۱۳۶۹) "گسترش شهر اصلی و بلعیده شدن روستا های اطراف، مطالعه موردی شهر شیراز در مقاطع (۵۷-۱۳۳۰) و (۶۷-۱۳۵۷)"، رساله کارشناسی ارشد، بخش جامعه شناسی و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شیراز.
- خمینی، امام سید روح الله (بی تا) رساله توضیح المسائل.
- زاهد، سید سعید (۱۳۷۰) مبانی روش تفکر اجتماعی در اسلام، تهران، انتشارات بهینه.
- زاهد، سید سعید (۱۳۸۹) جنبش های سیاسی معاصر ایران، تهران: کتاب طه.
- زاهد، سید سعید (۱۳۹۱) "نقد کتاب مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب ها"، ویراستار: جک گلدستون، ترجمه: محمد تقی دلفروز، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (در دست چاپ).
- زاهد، سید سعید (۱۳۹۲) "حکومت و جامعه در ایران معاصر"، ارائه شده در گردهم آئی انجمن جامعه شناسی ایران، اردیبهشت ۱۳۹۲، (در دست چاپ در مجموعه مقالات همایش).
- فردوست، حسن (۱۳۶۹) ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد اول، تهران: اطلاعات.
- مدنی، سید جلال (۱۳۶۱) تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- Algar, Hamid (1991) "Religious Forces in Twentieth Century Iran", The Cambridge History of Iran, Vol. 7, Cambridge, Cambridge University Press, pp. 732-765.
- Abrahamian, Ervand (1982) IRAN between Two Revolutions, New Jersey, Princeton University Press.
- Katouzian, Homayoon (1981) The Political Economy of Modern Iran, Despotism and Pseudo-Modernism, 1926-1979, The Macmillan Press Ltd.
- Rahnema, Ali & Farhad Nomani (1990) The Secular Miracle: Religion, Politics and Economic Policy in Iran, London, Zed Book Ltd.
- Islamic Propagation Organization (1991) Islamic Revolution of Iran, Tehran, Shemshad.